



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Shepherd: Relations between Shepherds and Owners in North Khorasan

Mohammad Hossein Popli Yazdi * | Professor of Human Geography, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

Undoubtedly, the most important task in traditional animal husbandry is the responsibility of the shepherd, because traditional animal husbandry is not possible without the shepherd. In recent years, shepherds, especially good shepherds, have become rare, and because of this, animal husbandry is facing major problems. The author knows cattle farmers who have abandoned cattle farming due to the lack of shepherds. Those who do not deal with animal husbandry think that anyone can take on the work of a shepherd or that every animal husbandry is a shepherd, while it is possible that someone is among the nomads and has been raising livestock for 50 years, but does not know "Shepherding" because shepherding is a specialized work. When the unwary shepherd leads the flock, the loss of sheep, wolfishness, a decrease in the quality and quantity of milk, oil, wool, skin, meat, and the destruction of the pasture are certain. In traditional livestock farming, the shepherd has an important social role, he is the mediator of the marriages of the neighborhood. Traditionally, a shepherd is taken for a year. Right at the time of formation of the herd and the neighborhood, the shepherd is hired, and all the people of the neighborhood must pay the shepherd's wages in proportion to the number of their cattle. In this article, an attempt has been made to address the most important development in the relationship between the shepherd and the owners of the sheep, which is the monetization of the shepherd's wages.


Keywords: Shepherd, Flock, Sheep, North Khorasan.

Corresponding Author: papoli.mh@gmail.com

How to Cite: Papoli Yazdi, M. H. (2022). Shepherd: Relations Between Shepherds and Owners in North Khorasan, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 9(18), 1-34.



چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان

محمدحسین پاپلی یزدی*  استاد جغرافیای انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

چکیده

بی‌شک مهم‌ترین وظیفه در دامداری سنتی بر عهده چوپان است، زیرا بدون چوپان دامداری سنتی امکان ندارد. در سال‌های اخیر چوپان و به‌ویژه چوپان خوب نایاب شده است و به همین علت دامداری با مشکلاتی اساسی روبروست. نگارنده دامدارانی را می‌شناسد که به علت کمبود چوپان، دامداری را رها کرده‌اند. کسانی که با دامداری سروکار ندارند تصور می‌کنند که هرکس می‌تواند کار چوپان را بر عهده بگیرد و یا هر دامداری چوپان است؛ در حالی که ممکن است کسی جزو عشایر باشد و ۵۰ سال هم دامداری کرده باشد ولی «چوپانی» نداند؛ چرا که چوپانی کاری ست تخصصی. وقتی چوپان ناوارد گله را هدایت کند، گوسفندمرگی، گرگ زدگی، کاهش کیفی و کمی شیر، روغن، پشم و پوست، گوشت و تخریب مرتع حتمی است. در دامداری سنتی چوپان نقش اجتماعی مهمی بر عهده دارد؛ او واسطه‌العقد افراد محله (ملک-مال-بینه) است. به‌طور سنتی چوپان یک ساله گرفته می‌شود. درست در موقع تشکیل گله و محله چوپان استخدام می‌شود و همه افراد محله می‌بایست مزد چوپان را به نسبت تعداد دام‌هایشان بپردازند. در این مقاله سعی شده است به مهم‌ترین تحول ایجاد شده در روابط بین چوپان و مالکان گوسفندان، که پولی شدن مزد چوپان است، پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: چوپان، گله، گوسفند، شمال خراسان

* papoli.mh@gmail.com

این مقاله بازنشر شده مقاله‌ای است که در شماره ۲۳ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی در زمستان ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است.

چوپان گیاهان و خواص آنها را خوب می‌شناسد و می‌داند کدام گیاه برای حیوان مناسب است. گیاهان خوش‌خوراک غیر خوش‌خوراک گیاهان تر، خوراک گیاهان خشک، خوراک گیاهانی که دام در بهار می‌خورد، گیاهانی که در تابستان می‌خورد، گیاهانی که باید خشک شود و در زمستان با آب باران در رطوبت برف خیس شود و سپس آماده خوردن دام شود، همه و همه را می‌شناسد و می‌داند چوپان می‌داند که کدام گیاه شیر را زیاد می‌کند کدام گیاه روغن را معطر می‌کند کدام بدبو و کدام گیاه گوشت را افزایش می‌دهد. او می‌داند فلان علف شیرین است و فلان علف شور، با فلان علف نمک لازم است و با فلان علف دادن نمک به دام لازم نیست. کدام گیاه را بزها دوست دارند و کدام را میش‌ها، کدام گیاه گوسفندان را به اسهال می‌اندازد و کدام گیاه پادزهر اسهال است. کدام گیاه را اگر میش‌ها زیاد بخورند پشم‌هایشان می‌ریزد و کدام را اگر بخورند پشم‌هایشان براق می‌شود. او می‌داند احتیاج غذای گوسفند در فصول مختلف متفاوت است. او می‌داند میش و بز حامله چقدر غذا بیشتر می‌خورد و وقتی زائید چقدر غذا لازم دارد. او می‌داند بزهای کوچک (خلمه‌ها) چقدر نیاز غذایی دارند و چقدر توان راه رفتن. او می‌داند کدام بره مال کدام میش است، حتی وقتی برخی میش‌های مادر بره‌های خود را تحویل نمی‌گیرند و شیر نمی‌دهند او می‌داند چه تکنیکی و روشی باید به کار برد که میش‌های سرکش رام شوند. و بره‌های خود را قبول کنند. او به راحتی سن حیوان را تشخیص می‌دهد و از قدرت بدنی حیوانات اطلاع دارد لذا بیش از حد آنها را نمی‌دواند. چوپان می‌داند فرق بز و میش چیست. او می‌داند شب‌ها بزها می‌خواهند بخوابند ولی میش‌ها می‌خواهند چرا کنند، چه باید بکند تا بزها زیاد اذیت نشوند و روزها که میش‌ها می‌خواهند بخوابند و بزها چرا کنند چگونه گله را هدایت کند. او می‌داند حداقل باید چند رأس بز در گله داشته باشد تا میش‌ها راه بروند. او می‌داند چگونه دام‌ها را در سنگلاخ‌ها و کوه‌ها و پرتگاه‌ها هدایت کند. او می‌داند گوسفندان را کدام دامنه بخواباند که آفتاب‌زده و یا سرمازده نشوند. او می‌داند صبح دام‌هایش را به کدام دامنه هدایت کند و عصر به کدام دامنه و شب به کدام مرتع. او خیلی سریع تشخیص می‌دهد که کدام گوسفند مریض است.

چوپان ممکن است تعداد دقیق دام‌هایش را نداند ولی هرگاه یکی از آنها کم شود و یا از گله عقب بماند فوری می‌فهمد. او بوی گرگ را حس می‌کند. چوپان می‌داند سگ‌هایش را باید چگونه تغذیه کند که دندان‌هایشان خراب نشده و از شجاعتشان کاسته نشود. او می‌داند چه باید بکند که سگ‌ها با گرگ‌ها دوست نشوند و چه باید بکند تا سگ‌ها قلاده آهنین خود را خوب بکار برند.

چوپان خواص آب چشمه‌ها را می‌شناسد. او می‌داند آب فلان چشمه غذای گوسفندان را زودتر هضم می‌کند و آب فلان چشمه باعث می‌شود که دام‌ها کمتر غذا بخورند و لاغر بمانند. او اثرات جغرافیای ریاضی و تغییرات شبانه‌روز و تغییرات قرص ماه بر حیواناتش را می‌داند. او می‌داند که میش‌ها در شب‌های مهتاب بیشتر غذا می‌خورند و آواز می‌خوانند که «شو مهتو که گرگر میزنه میش». او می‌داند که با کوتاه و سرد شدن روز در زمستان و با بلند و گرم شدن آن در تابستان چه باید کرد. او تغییرات رطوبت و اثرات باران را بر حیوان و حتی پشم، گوشت و شیر او می‌داند. او می‌داند که حیوان به موزیک ملایم و صدای نی چه عکس‌العملی دارد. او می‌داند عکس‌العمل حیوان در مقابل رعدوبرق و ترس ناگهانی و رم کردن چیست و در این مواقع چگونه باید دام‌ها را کنترل کرد. او می‌داند چگونه باید حیواناتش را از سیل بوران و طوفان در امان دارد. او می‌داند چگونه با ابزارهای ساده‌ای چون نی - قلاب سنگ‌پران حیوانات را جمع‌وجور کند و یا حیوانی را که از گله جدا می‌افتد، به جمع هدایت کند.

او سواد ندارد که حرف بزند. او سخنگو نیست، او خیلی چیزها را می‌داند ولی حتی گاه سؤالات مربوط به کار خودش را هم نمی‌تواند جواب بدهد. او یک رهبر آن هم راهبری واقعی است. از همه مهم‌تر آن که او می‌داند چگونه در کوه و دشت بدون یار و یاور و هم‌صحبت زندگی کند. او تحمل سخت‌ترین شرایط را دارد. پس، از هر آدمی ولو ۵۰ سال هم اگر دامدار باشد چوپانی ساخته نیست. چوپان متخصص است. وقتی چوپان ناوارد گله را هدایت کند، گوسفندمرگی، گرگ‌زدگی، کاهش کیفی و کمی شیر، روغن، پشم و پوست، گوشت و تخریب مرتع حتمی است.

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پابلی یزدی | ۵

در دامداری سنتی چوپان نقش اجتماعی مهمی بر عهده دارد. او واسطه‌العقد افراد محله (ملّه - مال-بینه) است. به‌طور سنتی چوپان یک ساله گرفته می‌شود. درست در موقع تشکیل گله و محله چوپان استخدام می‌شود و همه افراد محله می‌بایست مزد چوپان را به نسبت تعداد دام‌هایشان بپردازند. به‌طور سنتی چوپان باید طبق قرار شفاهی ۱۲ ماه کار کند. اگر ۱۱ ماه کار کند و بخواهد کارش را رها کند باید حقوق ۱۱ ماه را پس بدهد و اگر یک ماه کار کند و ارباب‌ها خواسته باشند بیرونش کنند باید مزد تمام سالش را بدهند. فقط چوپان دزد را می‌شود اخراج کرد و لا غیر. یکی از دلایل عمده پایداری محله‌ها در طول یک سال همین مسئله مزد چوپان است. هرکس خواسته باشد از محله قهر کند و گوسفندانش را جدا کند باید سهم مزد چوپانش را برای تمام سال بپردازد و چون نمی‌خواهد پول مفت بدهد پس می‌ماند. زندگی این چوپان، مزدش، روابطش با ارباب، مالدار، خانواده خودش و با مردم تا همین سی‌چهل سال قبل و در بعضی جاها تا همین ۱۰-۱۲ سال قبل و (بندرت در بعضی جاها تا همین حالا) مثل چند هزار سال قبل بود، ولی چون خیلی چیزهای دیگر روابط چوپان و دامدار هم در سال‌های اخیر دچار تحول عمیق شده است و این تحول در کیفیت، کمیّت گوشت، شیر و تخریب مراتع و اقتصاد دامداری نقش اساسی داشته است.

در این مقاله سعی شده است تا تحول ایجاد شده در این مورد نشان داده شود.

مهم‌ترین تحول پولی شدن مزد چوپان است. حال دیگر چوپان مزدش را به‌صورت پول نقد طلب می‌کند، مثل هر کارگر ساده و روزمزد. این امر منشأ تحولاتی است که دامداری سنتی را با مشکل اساسی روبرو کرده است. نه این که قبلاً چوپان پولی نباشد. کوچ‌نشینان که زندگی‌شان به دام وابسته است و کمتر محصولات کشاورزی تولید می‌کنند همیشه به پرداخت مزد به‌صورت نقدی گرایش داشته‌اند، اما در طول قرن‌ها مزد چوپان یا ثابت بوده و یا خیلی کم افزایش یافته است و روابط سنتی هم پابرجا بوده است. ولی حالا مزد افزایش یافته و روابط سنتی هم فروپاشیده است. این تحول هم دست‌به‌دست صدها تحول دیگر داده و جامعه عشایری را متفاوت از گذشته کرده است. زندگی سنتی ایلی و

عشایری و دامداری شبانی روستایی روابط و ابزار و مدیریت سنتی و ساختار قدرت سنتی ویژه خود را طلب می‌کند. وقتی روابط، ابزار مدیریت و ساختار قدرت تحول یافت دیگر نباید، تصور آرزوهای بربادرفته را داشت و به دنبال جامعه ایلی سنتی گشت. با تحول، جامعه دیگری به وجود آمده است، منتهی این تحول در جامعه عشایری آن قدر سریع است که باور آن برای بعضی دشوار یا غیرممکن است.

حال بینیم روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان که نمونه‌ای است از کل مملکت چگونه است؟ مطالعه به سال‌های اول انقلاب مربوط است. و در حال حاضر مردها خیلی بالاتر از مردهای آمده در جدول‌هاست. در سال ۱۳۷۰ مزد چوپان در کل کشور حداقل ماهی ۴۰۰۰ تومان و حداکثر تا ۱۲۰۰۰ تومان گزارش شده است.

روابط چوپان‌ها و مالکان گله‌ها

الف - مزد چوپان‌هایی که برای نیمه کوچ‌نشینان و روستاییان کار می‌کنند.

دامداران برای پیشبرد فعالیت‌های دامداری خود دو نوع چوپان استخدام می‌کنند:

- چوپان یا «خان چوپان»،

- «میلاک» یا «باجو».

چوپان اصلی مرد باتجربه‌ای است که غالباً او را چوپان و یا «خان چوپان» می‌نامند. مثلاً در روستای خشت واقع در کلات نادری به این نام برخورداریم (خان چوپان به معنی رئیس چوپان‌ها نیز هست مثلاً مزرعه نمونه آستان قدس رضوی در طرق که گاه بیش از ۵۰ چوپان دارد دارای خان چوپان است).

میلاک یا باجو، یک چوپان مزدور مبتدی است که همیشه در کنار چوپان اصلی کار می‌کند و اگر به کار خود علاقه‌مند باشد، بعد از دو یا سه سال کار عملی عنوان چوپان را دریافت می‌کند. ولی همان‌طور که در سایر مشاغل نیز دیده می‌شود به میلاک‌هایی نیز برمی‌خوریم که هرگز تخصص یک چوپان را پیدا نمی‌کنند.

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پابلی یزدی | ۷

مزد میلاک کمتر از چوپان است، مثلاً در سال ۱۳۵۸ در بین بریمانلوها، میلاک ماهی ۲۱۰۰۰ ریال مزد می‌گرفت ولی چوپان ماهانه ۲۵۰۰۰ ریال دریافت می‌کرد. در همان سال در روستای زلوقال، میلاک ۴۰ رأس بره گرفت ولی چوپان ۵۵ رأس بره دریافت کرد.

از چند سال پیش به این طرف در بیشتر نواحی شمال خراسان، روابط بین چوپان‌ها و مالکان گله‌ها تغییرات فراوانی پیدا کرده است. افزایش دستمزدها در شهرها و روستاها افزایش تعداد دام‌های گله‌ها از ۱۳۴۹، جاذبه‌های شهرها و افزایش هزینه‌های زندگی موجب افزایش مزد چوپان‌ها شده است. در سال ۱۳۵۸ در بسیاری از روستاها و در بین بسیاری از طوایف مزد چوپان نسبت به سال ۱۳۵۰ در حدود ده برابر افزایش یافته بود. در روستاهایی که روستاییان کشت غلات را رها کرده‌اند مایل نیستند مزد چوپان را با گندم و جو بپردازند و چوپان‌ها نیز مایل نیستند که مزدشان را به صورت جنسی دریافت کنند.

جدول شماره ۱ و ۲ دستمزد چوپان‌ها را در ۳۵ روستا نشان می‌دهد در این جدول روستاها بر اساس عناصری که دستمزد چوپان‌ها را تشکیل می‌دهند دسته‌بندی شده‌اند. روستاهایی که در آنها روابط بین چوپان‌ها و مالکان دام‌ها پیچیده‌تر است در ردیف‌های اول قرار دارند و روستاهایی که در آنها چوپان‌ها دستمزدشان را فقط به صورت نقد دریافت می‌کنند (مثل قلعه‌نو) در ردیف‌های بعد قرار دارند در جدول شماره (۲) این روستاها بر اساس ناحیه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند دسته‌بندی شده‌اند.

مشاهده می‌شود که غالب چوپان‌های مزدور برای یک سال استخدام شده و مزد آنها در بیشتر موارد در سه دوره پرداخت می‌شود:

۱ - دوره شیردوشی که تقریباً چهار ماه طول می‌کشد در جدول شماره (۲)، که روستاها بر اساس موقعیت جغرافیایی دسته‌بندی شده‌اند، ملاحظه می‌شود که در تمام روستاهای کوهستانی که بیش از ۱۱۰۰ متر ارتفاع دارند و شامل روستاهای واقع در هزار مسجد، کلات نادری و شاه جهان می‌باشند به استثنای روستاهای کردنشین مثل قلعه‌نو، چنار، گنبدجق و نیز به استثنای روستاهای کردنشین و فارس نشین اخلمد در بینالود؛ چوپان به شیوه سنتی مزد خود را به صورت شیر می‌گیرد. در حالی که در کلیه روستاهای پساکوه

ارتفاع کمتر از ۱۰۰۰ متر به‌استثنای نیشابورک که دامداری آن چندان اهمیتی ندارد، در سال ۱۳۵۸ فقط دارای ۳۰۰ رأس دام بود، چوپان شیر دریافت نمی‌کند، باین‌همه در روستای نیازی که مالک‌ها بلوچ هستند، چوپان‌ها در تمام دوره شیردوشی، شیر روز جمعه تمام دام‌ها را به‌صورت «پیشکش» می‌گیرند.

در روستاهایی که چوپانان دستمزد خود را به‌صورت شیر می‌گیرند، شیر روزهای جمعه متعلق به آنهاست. در بیشتر روستاها مزد آنها برابر است با شیر تمام دام‌ها ولی در بعضی روستاها مقدار بسیار کمی از شیر به آنها تعلق می‌گیرد، مثلاً در بق‌مچ به هر چوپان، فقط شیر ۱۵۰ رأس دام تعلق می‌گیرد.

۲ - دوره دوم از آخر شیردوشی یعنی حدود ۱۰ مرداد شروع می‌شود و چهار ماه به طول می‌انجامد. در این مدت دام‌های کوچک (میش و بز) تقریباً چیزی تولید نمی‌کنند نه شیر و نه بره، بنابراین، در این مدت مزد چوپان یا باید به‌صورت پول نقد و یا به‌صورت محصولات کشاورزی پرداخت شود. در تمام روستاهایی که در نواحی کم ارتفاع قرار دارند و زراعت غلات دیم در آنها، بیشتر از روستاهای واقع در مناطق مرتفع است، مزد چوپان را به‌صورت پول نقد می‌پردازند. روستاهای پساکوه و بیشتر روستاهای دره کشف رود در این دسته جا می‌گیرند.

باین‌وجود در بین روستاهای کوهستانی بعضی جاها مزد چوپان را به‌صورت پول نقد و در بعضی جاها دیگر به‌طور مرسوم مزد چوپان را به‌صورت گندم و جو می‌پردازند. ولی مشاهده می‌شود که از ۲۳ روستا، در ۱۹ روستا که مزد چوپان در دوره دوم به‌صورت پول نقد پرداخت می‌شود، خوراک چوپان نیز توسط مالک دام تأمین می‌شود و برعکس، در روستاهایی که مزد چوپان به‌صورت جنس پرداخت می‌شود، خوراک او به عهده خودش است.

خوراک چوپان ممکن است مستقیماً توسط مالک دام تأمین شود، بخصوص در دوره‌ای که دامدار با خانواده‌اش در محله زندگی می‌کند (در طول دوره شیردوشی و گاهی در دوره زایمان میش‌ها). در این حالت خوراک چوپان همان خوراکی است که

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پابلی یزدی | ۹

مالک دام می‌خورد. چنین مرسوم است که هر دامدار باید غذای یک چوپان را به نسبت یک روز در ماه برای هر ده رأس دام تأمین کند. یعنی اگر دامداری دارای ۳۰۰ رأس دام باشد، غذای یک چوپان در طول یک ماه بر عهده اوست.

از آنجایی که برای هر گله دو چوپان لازم است، بر اساس این رسم، معلوم می‌شود که تعداد دام‌های یک گله ۶۰۰ رأس بوده است.

در بیشتر روستاها چوپان جیره غذایی کاملاً معینی می‌گیرد و خود او باید خوراکش را آماده کند. این جیره غذایی ماهانه تقریباً در تمام روستاها مشابه است و ترکیب آن به شرح زیر می‌باشد:

- ۱۱ من و ۱۰ سیر آرد گندم (۳۳/۷۵۰ کیلوگرم).
- ۷۵ گرم چای (که از سال ۱۳۵۶ مقدار آن ۱۲۵ گرم شده است).
- ۳ کیلوگرم قند (از سال ۱۳۵۶ مقدار آن ۴ کیلوگرم شده است) که بیشتر آب‌نبات است.

- روغن نباتی بین ۵۰۰ تا ۷۵۰ گرم.
- سیب‌زمینی بین ۴ تا ۶ بین ۴ تا ۶ کیلوگرم.
- پیاز ۱/۵ کیلوگرم
- رب گوجه‌فرنگی، ۵۰۰ گرم و گاهی بیشتر (تمام چوپانان آن را دوست دارند و همیشه مقدار بیشتری از آن را طلب می‌کنند).
- ادویه (نمک، فلفل و زردچوبه).

- در تمام گله‌ها دو چوپان حق دارند که در هر روز و در طول دوره شیردوشی شیر چهار رأس دام را مصرف کنند (مطابق مرسوم از شیر بز استفاده می‌کنند).

- گوشت به‌طور سنتی در جیره غذایی چوپان‌ها وجود ندارد، ولی از چند سال پیش چوپان‌ها در هر ماه سه وعده‌غذای گوشتی می‌خواهند. این جیره غذایی مربوط به مزد چوپان‌های کوچ‌نشین است. ولی در روستاهایی که چوپان‌ها مزد خود را به‌صورت پول

دریافت می‌کنند، مثل قلعه‌نو، جیره غذایی در هر ماه فقط ۶۰ تا ۸۰ کیلوگرم گندم و ۳ کیلوگرم قند و ۷۵ گرم چای است.

در مواردی که غذای چوپان توسط مالک دام تأمین می‌شود، او باید وسایل لازم را برای فراهم کردن خوراک چوپان تهیه کند که عبارت‌اند از: یک یا دو عدد ظرف، دو عدد بشقاب و دو عدد قاشق که همه آنها از جنس مس هستند. از چند سال پیش در بعضی از روستاها، چوپانان از یک چراغ خوراک‌پزی نفتی و مسلماً از نفت لازم برای پخت‌وپز نیز استفاده می‌کنند.

۳- مشاهده می‌شود که در تمام روستاهایی که در جدول شماره (۱) آمده است به‌استثنای روستاهای کردنشین و روستای مختلط قله زو، چوپان‌ها به‌طور سنتی در سومین دوره بابت مزد خود بره و بزغاله می‌گیرند. در این مورد نیز پرداخت دستمزد چوپان‌ها به سه گونه است.

- یک‌دهم بره‌ها و بزغاله‌های تمام گوسفندهای ماده که امکان زاییدن دارند، مزد چوپان است. یعنی اگر در یک گله تعداد ۵۰۰ رأس ماده مستعد برای تولیدمثل وجود داشته باشد، دو چوپان ۵۰ رأس بره و بزغاله به‌عنوان دستمزد برمی‌دارند (هر چوپان ۲۵ رأس)، حتی اگر بعضی از میش‌ها بره‌ای نداشته باشند و یا اگر حادثه‌ای پیش آید و قسمتی از گوسفندهای ماده تلف شوند باز هم چوپان‌ها دستمزد خود را می‌گیرند. بدین ترتیب چوپان از دریافت دستمزد خود مطمئن است ولی احتمال دارد که مالک دام متحمل یک ضرر جدی شود. در بیشتر روستاهایی که این قاعده وجود دارد مثل ژرف و بلغور، گاهی مالکان دام‌ها برای پرداخت دستمزد جنسی چوپان‌های خود، مجبور به خرید بره و بزغاله شده‌اند.

- در بعضی از روستاها که تعداد بره‌ها و بزغاله‌ها در پی افزایش حجم گله‌ها افزایش می‌یابد، تعداد مطلق بره‌ها و بزغاله‌هایی را که هر یک از چوپان‌ها باید به‌عنوان مزد دریافت کنند، از قبل تعیین می‌کنند. مثلاً ۳۰ یا ۴۰ رأس. در عمل، حتی برای تعیین تعداد ثابت بره‌هایی که به‌عنوان مزد به چوپان داده می‌شود طبق این سنت با قدمت چندساله رفتار

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پاپلی یزدی | ۱۱

می شود یعنی نمی گویند که مزد چوپان مثلاً ۳۰ رأس بره است بلکه گفته می شود یک دهم نتاج ۳۰۰ رأس میش که بدون تلفات می زاینند مزد چوپان است.

سومین طریق پرداخت دستمزد چوپانها در دوره سوم در بعضی از روستاها مثل جُنْگ، چنین است که چوپانها یک دهم نوزادانی را که به دنیا آمده اند به عنوان دستمزد می گیرند. (هر یک از چوپانها یک بیستم آن را می گیرد). در این مورد احتمال دارد که چوپان قسمتی از دستمزد خود را از دست بدهد. ولی مالک دام مطمئن خواهد بود که چوپان کوشش بیشتری در مراقبت از گله از خود نشان خواهد داد. از چند سال پیش برخلاف گذشته چوپانها این روش دریافت دستمزد را ترجیح می دهند، زیرا اولاً حجم گله ها افزایش یافته است و ثانیاً با اضافه شدن مصرف خوراک مکمل، و با ساخته شدن طویله ها و تعمیر واکسیناسیون، احتمال از دست رفتن دام به طور محسوس کم شده است. در دو جدول (۱) و (۲) پدیده ای به نمایش درآمده که مستقیماً در ارتباط با طبیعت دستمزد چوپان در دوره سوم است. در تمام روستاهایی که چوپان به عنوان دستمزد، تعدادی از نوزادان را دریافت می کند، به استثنای روستای بلوچ نشین نیازی، حق دارد که چند رأس دام خود را بدون این که هزینه ای بپردازد، در گله جای دهد. قبلاً این تعداد دام از ۳۰ رأس تجاوز نمی کرد ولی امروزه، در بیشتر روستاها تعداد آنها به ۵۰ رأس و گاهی بیشتر نیز می رسد.

بر اساس این جدول متوجه می شویم در روستاهایی که چوپان دستمزد خود را فقط به صورت پول نقد می گیرد، حق نگه داشتن چند رأس دام خود را به طور رایگان ندارد و اگر بخواهند چنین کاری بکنند باید هزینه های مربوط به نگهداری دام های خود را نیز متحمل شود. در روستاهایی که در طی سال های اخیر مزد چوپان به صورت پول نقد پرداخت می شود، چوپان حق نگه داشتن رایگان دام های خود را از دست داده است.

در بعضی از روستاهایی که مزد چوپان به صورت جنسی پرداخت می شود (شیر، غلات، بره) همیشه رسم بر این بوده است که در آخر هر سال پول نقدی تحت عنوان «رشوت» (تقریباً مفهوم پول جای را دارد) به او می داده اند که مبلغ آن در روستاها کاملاً متغیر است.

از چند سال پیش به این طرف تغییرات مهمی در این رسم دیده می‌شود. این مبلغ در طول سال برحسب تعداد دام محاسبه و پرداخت می‌شده و رقم مهمی را تشکیل نمی‌داده است. مثلاً در روستای برده، چوپان بابت هر رأس دام در عرض یک سال ۲ ریال دریافت می‌کرده که جمع آن برای یک گله ۶۰۰ رأسی ۱۲۰۰ ریال می‌شده است. ولی از چند سال پیش، چوپان‌ها از این بابت مبلغ بیشتری طلب می‌کنند، مثلاً در سال ۱۳۵۷ در روستای برده هر نفر چوپان مبلغ ۵۰۰۰ ریال به‌عنوان رشوت دریافت کرده و در سال ۱۳۵۸ این مبلغ به ۱۰۰۰۰ ریال رسیده است که حدوداً معادل هشت برابر مبلغی است که به‌طور سنتی در حدود چهل سال ثابت بوده است. دومین بدعت، تعمیم رشوت در بیش از نیمی از روستاهای منطقه است. قبلاً پرداخت رشوت به چوپان‌ها فقط در تعداد بسیار محدودی از روستا معمول بوده است (از ۳۵ روستایی که در جدول شماره ۱ آمده، فقط در ۶ روستای آن متداول بوده است)، ولی در سال ۱۳۵۸ در بیش از نیمی از روستاهایی که چوپان‌ها دستمزد خود را به‌صورت پول نقد ماهانه دریافت می‌کردند مالک گله‌ها برای این که آنها را راضی نگهدارد، مجبور بود مبلغی به‌عنوان رشوه به آنها بپردازد. در واقع، رشوت که در گذشته نوعی هدیه بود امروزه تبدیل به حقوق شده است. بیشتر دامداران، از جمله آقای حبیب کدخدایی، کدخدای روستای بلغور، اظهار می‌کردند که در گذشته‌ها چوپان‌ها به مالکان دام‌ها رشوه می‌دادند تا دام‌هایش را به آنها بسپارند. مثلاً در سال ۱۳۴۳ در همین روستا هر کدام از چوپان‌ها برای این که کار پیدا کنند، از دریافت سه رأس دام از سهمیه دستمزد خود صرف‌نظر می‌کردند. ولی امروزه در پی کمیاب شدن چوپان، مالکان دام‌ها گاهی مجبورند که کلیه شرایط چوپان را بپذیرند.

به دلیل نبود یا کمبود چوپان، دو پدیده کاملاً جدید در روابط و مناسبات چوپان‌ها با مالکان به وجود آمده است:

۱- دستمزد به‌صورت پیش‌پرداخت (علی‌الحساب).

۲- وام = «تَه قُووی».

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پاپلی یزدی | ۱۳

۱- از چند سال پیش به این طرف در روستاهایی که چوپان قسمتی از دستمزد خود را به صورت پول نقد دریافت می کند، یک سوم و یا نصف دستمزد خود را به صورت پیش پرداخت یا رو علی الحساب درخواست می کند.

۲- وام یا ته قوی: مدتی است که چوپان از کارفرمای خود وام بدون بهره ای را دریافت می کند. در سال ۱۳۵۸ حداکثر مبلغ این وام ۶۰۰۰۰ ریال بود. چوپان باید این مبلغ را بعد از یک سال، یعنی در آخر دوره قرارداد پرداخت کند. لذا این مبلغ یا به عنوان وام بدون بهره تلقی می شود و یا این که به مثابه تنمه دستمزد به حساب می آید.

- بالاپوش نمیدین و کفش: در اکثر روستاها (۲۳ روستا از ۳۴ روستا) چوپان به طور معمول در عرض سال دو جفت کفش، یک جفت میچ پیچ و یک بالاپوش نمیدین از کارفرمای خود دریافت می کند، ولی معمولاً بالاپوش نمیدین را پس از پایان دوره قرارداد، به کارفرمای خود بازمی گرداند. در برخی از روستاها از جمله جُنْگ، بلغور و سیج چوپان به جای کفش و بالاپوش نمیدین مقداری پشم می گیرد. منظور از بالاپوش نمیدین نوعی پوشاک ضخیم است که جنس آن از نمد می باشد و به هنگام سرما چوپان خود را در آن می پیچد و این پوشش بخصوص در مقابل برف به طور مؤثری او را حفاظت می کند.

- چراغ قوه: امروزه چوپان های شمال خراسان در طول شب هایی که در بین گله ها به سر می برند، از چراغ قوه استفاده می کنند. هزینه خرید باتری برای این چراغ قوه ها، که تقریباً مبلغ قابل توجهی بوده و قابل چشم پوشی نیست بر عهده مالکان دام هاست. در سال ۱۳۵۸ بیشتر دامداران اظهار می داشتند که استفاده از چراغ قوه و هزینه خرید باتری آن حداقل ده برابر بیشتر از هزینه ای است که قبلاً برای نفت چراغ های نفتی پرداخت می کردند، امروزه این بیش از ۷۰ برابر است. مثلاً در سال ۱۳۵۷، آقای حاجی اسدالله شعبانی مالک ۵۵۰ رأس میش و بز، برای خرید باتری هایی که چوپان هایش استفاده کرده اند، مبلغ ۵۰۰۰ ریال پرداخت کرده است، در حالی که قبلاً فقط ۵۵۰ ریال برای خرید نفت می پرداخته است.

سگ‌های گله

هر گله همیشه با دو سگ گله، که وظیفه دفاعی دارند، همراهی می‌شود. این سگ‌ها معمولاً متعلق به مالک گله هستند. غذای آنها توسط چوپان اصلی گله فراهم و توسط خود او نیز بین سگ‌ها توزیع می‌شود.

خوراک اصلی سگ‌ها خمیری است به نام «نواله» که از آرد جو تهیه شده است و گاهی پودر استخوان نیز با آن مخلوط می‌کنند. جیره غذایی روزانه سگ ۷۵۰ تا یک کیلو آرد است. مثلاً بروانلوها برای غذای ماهانه هر سگ مقدار ۲۴ کیلوگرم آرد در نظر می‌گیرند ولی جیره غذایی ماهانه هر سگ در بین قهرمانلوها ۳۰ کیلوگرم آرد است. جیره سگ در بعضی از روستاها، مثل بلغور اندازه معینی ندارد و هر یک از مالکان گله به نسبت هر پنج رأس میش و بز مقدار ۳ کیلوگرم آرد جو به چوپان تحویل می‌دهند و به محض این که آرد تمام شد، مجدداً این کار را تکرار می‌کنند.

چوپان‌ها سگ‌های ماده را بر سگ‌های نر ترجیح می‌دهند. در سال ۱۳۵۸ یک سگ با کیفیت متوسط مبلغ ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ ریال ارزش داشت و ضمن آن که سگ‌هایی بودند که ارزش آنها به ۳۰۰۰۰ ریال نیز می‌رسید. آن‌طور که چوپان‌ها و مالکان گله‌ها می‌گفتند، ارزش یک سگ با کیفیت متوسط، درست معادل ارزش بهترین قوچ گله است و علاوه بر آن که سگ‌هایی وجود دارند که آن را با دو یا سه رأس قوچ معاوضه می‌کنند.

برای این که حمله سگ به گرگ مؤثر واقع شود، بر سینه سگ سینه‌بندی بسته می‌شود که دارای میخ‌هایی بلند است که باعث زخمی شدن گرگ می‌شود.

الاغ و تجهیزات آن

برای هر گله یک رأس الاغ که غذای سگ‌ها، خوراک چوپان‌ها و وسایل و مواد لازم برای تهیه خوراک را با آن حمل می‌کنند، لازم است. در بیشتر روستاها (۲۷ روستا از ۳۵ روستایی که در جدول آمده است) تهیه این حیوان بارکش بر عهده چوپان است. اگر چوپانی دارای حیوان بارکش نباشد، مالک یا مالکان دام‌ها، برایش فراهم و مطابق رسم و

سنت مقداری از دستمزد او را تحت عنوان «کرایه الاغ» کسر می‌کنند. این رسم بسیار رایج است و هنوز هم در بیشتر روستاها از جمله بلغور به آن برمی‌خوریم.

و بالاخره متذکر می‌شویم که، هم در بین کوچ‌نشینان و هم در بین نیمه کوچ‌نشینان چوپان حق دارد که در طول یک ماه چند شبی را در خانه خود به سر برد. معمولاً چوپانان ازدواج کرده سه شب و چوپانان مجرد فقط یک شب در طول یک ماه از این حق برخوردار می‌شوند و مسلماً مالک دام موظف است که در مدت غیبت چوپان فردی را جایگزین کند. اما از چند سال پیش به این طرف حرکت جدیدی پیدا شده است، به این صورت که چوپان‌ها در ازای یک هفته کار یک روز استراحت طلب می‌کنند و فعلاً در بیشتر جاها توانسته‌اند در ازای هر ماه کار سه روز استراحت بگیرند و نه فقط سه شب، منتها از آن جایی که در بیشتر موارد، مالک گله قادر به پیدا کردن چوپان کمکی که جایگزین او کند نیست لذا متقبل می‌شود که برای روزهای استراحت او دستمزد اضافی پردازد که او گله را ترک نکند به طوری که امروزه اگر چوپانی در طول یک ماه از تعطیلات خود استفاده نکند و مرتب در محل کار خود حاضر باشد، برای هر ماه کار ۳۳ روز دستمزد می‌گیرد.

ب - دستمزد چوپان‌هایی که برای کوچ‌نشینان کار می‌کنند

اکثر قریب به اتفاق چوپان‌هایی که برای کوچ‌نشینان خراسان کار می‌کنند، (جدول شماره ۳) دستمزد خود را به صورت پول نقد دریافت می‌دارند. در بعضی از طوایف، هیچ‌یک از طرفین قرارداد به یاد نمی‌آورند که غیر از پرداخت دستمزد به صورت پول نقد، از نوع دیگری صحبت شده باشد. در سال ۱۳۵۸ از ۱۴ طایفه کوچ‌نشین، فقط سه طایفه قسمتی از دستمزد چوپان‌هایشان را به صورت جنسی پرداخت می‌کردند و این قسمت از دستمزد، شیری بود که روزهای جمعه از دام‌ها دوشیده می‌شد. در دو طایفه از این سه طایفه چوپان‌ها قسمتی از دستمزد خود را به صورت بره و بزغاله نیز دریافت می‌کردند. در هیچ‌یک از طوایف، مزد چوپان به صورت غلات پرداخت نمی‌شود، زیرا کوچ‌نشینان خراسان هرگز کشاورزان خوبی نبوده‌اند و حتی بیشتر آنها هنوز هم با کشت دیم آشنایی ندارند. (زیرا تقسیم کار به نحوی است که مثلاً یک برادر کلاً کشاورز است و برادر دیگر کلاً دامدار).

در تمام طوایف، بدون استثناء، هزینه‌های خوراک چوپان‌ها، بالاپوش‌های نم‌دین، کفش، چراغ‌قوه، غذای سگ‌ها و حیوانات بارکش بر عهده مالک دام است. چوپان هرگز مساعده و وام دریافت نمی‌کند و مزد خود را در آخر هر ماه می‌گیرد. حتی از چند سال پیش به این طرف، مالک دام‌ها قسمتی از دستمزد ماهانه چوپان‌هایی را که دارای دام شخصی در گله نیستند، به‌عنوان ضمانت پیش خود نگه می‌دارد و چوپان آن را در پایان دوره قرارداد دریافت می‌کند، زیرا در پاره‌ای موارد چوپان بعد از دریافت دستمزد ماهانه خود، بدون اطلاع، مالک، گله را رها کرده و رفته است.

در بین تمام طوایف کرد، همان‌طور که در بین تمام روستاهای کردنشین معمول است، چوپان باید هزینه نگهداری دام‌های شخصی خود را بپردازد و هیچ‌گونه هدیه و پیشکشی نیز دریافت نمی‌دارد.

مشاهده می‌شود که روابط و مناسبات سنتی اقتصادی که در بین چوپانان و کوچ‌نشینان وجود دارد بسیار ساده‌تر از روابط بین چوپانان و نیمه کوچ‌نشینان و روستاییان است.

در بین کردهای کوچ‌نشین، چوپان برای یک سال استخدام و دستمزد او نیز طی دو دوره پرداخت می‌شود که یک دوره آن از دهم اردیبهشت تا اول مهر و دیگری از اول مهر تا اول خرداد است. در این میان فقط برآوانلوا مستثنی هستند، زیرا در طول کوچ شیردوشی می‌کنند و چوپان را از اول فروردین استخدام می‌کنند. چوپانی که در دهم اردیبهشت برای یک سال استخدام شده است، در حدود ده سال است که چوپان اول خردادماه استخدام می‌شود، حق دارد که در اول مهرماه کار خود را رها کند و بر همین اساس مالک نیز می‌تواند قرارداد او را در همین روز فسخ کند. در واقع، قرارداد خرید خدمت یک دوره یک ساله می‌تواند به‌مثابه قراردادی باشد که شامل دو دوره جدا از هم است، یکی حدوداً پنج ماه (۱۴۰ روز) و دیگری ۷ ماه و نیم (۲۲۵ روز).

دلیل این امر آن است که هرکدام از طرفین قرارداد، اگر قبل از اتمام این دوره‌ها، یعنی دهم اردیبهشت و اول مهر اقدام به فسخ قرارداد کند، باید غرامت طرف مقابل را بپردازد. یعنی اگر مالک اقدام به فسخ قرارداد کند باید دستمزد بقیه دوره‌ای را که شروع

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پاپلی یزدی | ۱۷

شده به چوپان پرداخت کند و اگر چوپان اقدام به چنین عملی کند، باید پولی را که از اول دوره گرفته است به مالک گله بازگرداند. با این وصف اگر فسخ قرارداد به علت سرقتی باشد که چوپان مرتکب شده، هیچ نوع غرامتی به او تعلق نمی‌گیرد.

برعکس، در بین روستاییان و نیمه کوچ‌نشینان، نه چوپان و نه مالک گله هیچ‌کدام حق ندارند که قرارداد را قبل از تمام شدن دوره آن فسخ کنند. اگر چوپان مایل باشد که قبل از تمام شدن دوره، کار خود را رها کند، حتی اگر ۱۱ ماه نیز کار کرده باشد، باید تمام آنچه را که در طول این مدت گرفته، به مالک گله برگرداند و اگر مالک گله مایل به اخراج چوپان، باشد، حتی اگر چوپان فقط یک ماه کار کرده باشد، باید تمام دستمزد سالانه را به چوپان بدهد.

اگر چوپان قصد رها کردن کار خود را داشته باشد، باید چوپان قابل قبولی برای مالک گله پیدا کرده و کار خود را به او واگذار کند و اگر چوپانی که دستمزد خود را به صورت بره نوزاد می‌گیرد، کار خود را رها کند باید طبق رسم محل یا روز اول فروردین یا ۱۰ روز و یا ۲۰ روز بعد از اول فروردین برای دریافت سهم خود مراجعه کند.

گاهی شرکای یک گله و یا یک محله نمی‌توانند با هم کار کنند، لذا قبل از موعد مقرر اقدام به انحلال محله و یا گله می‌کنند، در این صورت آنها باید تمام دستمزد چوپان‌های خود را بپردازند. بیشتر دامداران اظهار می‌کردند که همین امر، یعنی اجبار به پرداخت کلیه مزد چوپان در صورت انحلال گله و یا محله قبل از موعد مقرر، بسیاری از شرکا را وادار کرده که گله و یا محله را تا آخر دوره حفظ کنند. لذا می‌توان گفت که تعهدات حقوقی عرفی ارتباط مستقیمی با کار آنها دارد و چوپان‌ها روابط بین دامدارانی را که یک محله تشکیل داده‌اند مستحکم‌تر می‌کنند. چرا که انحلال یک محله قبل از موعد مقرر بسیار پرخرج‌تر می‌باشد.

تعداد چوپان‌هایی که دارای چند رأس دام شخصی نباشند بسیار کم است و این امر بخصوص در بین نیمه کوچ‌نشینان مشاهده می‌شود که چوپان مزد خود را به صورت دام‌های نوزاد دریافت می‌کند. از چند سال پیش به این طرف، مالکان گله‌ها چوپان‌های خود را به

داشتن چند رأس دام تشویق می‌کنند. زیرا به تجربه دریافته‌اند که چوپانی که دارای چند رأس دام شخصی باشد نمی‌تواند ناگهان کار خود را رها کند. به طوری که بعضی از چوپان‌های افغانی که حدود ده سال است در شمال خراسان کار می‌کنند، خودشان صاحب گله کوچکی شده‌اند.

ضمناً متذکر می‌شویم که در شمال شرقی خراسان تعداد چوپان‌های افغانی زیاد است. آن‌ها از سال ۱۳۵۶ ماهانه حدود ۱۶۰۰ ریال کمتر از چوپان ایرانی دستمزد می‌گیرند و مزد آنها حدود نه دهم دستمزد چوپان ایرانی است. دامداران اظهار می‌کردند مزد کم آنها به دلیل کم‌تجربگی آنها در کار چوپانی است ولی من فکر می‌کنم که دستمزد کم چوپان‌های افغانی اساساً به دلیل حالت غیرقانونی وجود آنها در ایران است.

در زندگی گله‌ها دو حادثه به‌وفور مشاهده می‌شود: یکی تلف شدن دام و دیگری از بین رفتن آن توسط حیوانات مهاجم و درنده است. اگر دامی از گله‌ای مورد حمله حیوان مهاجمی قرار گیرد، چوپان گله موظف است بقیه جسد آن را به مالک نشان دهد. اگر حیوانی مفقود شود، بسته به این که مالک دام به چوپان اعتماد داشته باشد یا نداشته باشد، چوپان از پرداخت خسارت معاف و یا مکلف به جبران خسارت می‌شود.

خلاصه، همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، کمیاب بودن چوپان اگر موجودیت دامداری سنتی در شمال خراسان را به نابودی تهدید نکند، دست کم پیشرفت آن را به خطر انداخته است و ما شخصاً تعداد زیادی از دامداران را می‌شناسیم که در اثر نبودن چوپان دامداری را رها کرده‌اند.

کمبود نسبی تعداد چوپان‌ها در پیوند با افزایش تعداد گله‌ها دلیل اصلی بهبود ناگهانی شرایط سنتی کار آنها شده و ما از چند سال پیش شاهد این واقعیت بوده‌ایم. به موازات آن، سنت‌ها و زندگی سنتی نیز با آهنگ شتاب آمیزی از بین می‌رود. چوپان‌ها فقط مایلند که در فصول خوب سال در رشته تخصصی خود کار کنند و ضمناً دستمزد خود را نیز فقط به صورت پول نقد دریافت دارند تا بتوانند هر وقت که مایل بودند کار خود را بدون هیچ مشکلی ترک کنند. این وضعیت روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود، علاوه بر این که قانون نیز

به‌طور سیستماتیک طرفدار چوپان‌هاست زیرا اهمیتی به عرف و عادت و سنن کوچ‌نشینی نمی‌دهد. این مسئله یکی از اساسی‌ترین مشکلات دامداری سنتی است. قانون مدنی به عرف احترام چندانی قائل نیست. اگر چوپانی شکایت کند که ۴ ماه کار کرده است و حالا مزدش را می‌خواهد، دادگاه بدون در نظر گرفتن مصالح دامدار او را مجبور به پرداخت دستمزد چهارماهه چوپان می‌کند. در صورتی که عرف می‌گوید چوپان باید تا آخر سال کار کند. صدها مورد دیگر عرفی وجود دارد که دادگاه پسند نیست. در صورتی که قوانین باید بر اساس اصول زندگی مردم استوار شود.

در سال ۱۳۵۸، ۲۶ دامدار عریضه‌ای خدمت امام خمینی (ره) فرستاده و درخواست کرده بودند که چوپانان مستعد و لایق را برای خدمت سربازی نفرستند تا به این ترتیب از آشنا شدن آنها با جاذبه‌های شهری جلوگیری شود، زیرا مطمئن بودند جوانانی که به این صورت پوسته ایلی را شکافته و راه به بیرون می‌برند، دیگر به سرکار خود بازمی‌گردند. این درخواست به خودی خود بسیار گویاست زیرا همین دامداران می‌توانسته‌اند برای بهبود زندگی و فعالیت دامداری خود راه‌حل‌های دیگری پیشنهاد و کمک‌های دیگری مطالبه کنند از جمله از محدودیت‌هایی که برای جابه‌جا شدن آنها در نظر گرفته شده بود و یا از کم یا شدن مساحت مراتعشان صحبت به میان آورند. لذا مشاهده می‌شود که تقلیل تعداد چوپان متخصص، بالقوه مانند یک عامل بازدارنده در مقابل رشد و گسترش دامداری عمل می‌کند.

ج - گماری (چوپان کمکی خانوادگی)

به‌طور سنتی برای حفاظت و هدایت گله‌ای که از ۶۰۰ رأس دام تشکیل شده باشد، دو چوپان لازم است که یکی از آنها باید از تجربه و پختگی کامل برخوردار باشد. در صورتی که چوپان به اندازه کافی وجود نداشته باشد و یا این که استخدام چوپان دوم از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نباشد، خود دامداران به چوپان اصلی و با تجربه کمک می‌کنند و اگر تعدادشان زیاد باشد، در صورت نیاز به نوبت به کمک چوپان می‌روند. این

چوپان‌های کمکی که از افراد خانواده دامدارها هستند به نام «گماری» خوانده می‌شوند. مطابق مرسوم، هر دامدار در ازای هر ده رأس دامی که دارد باید یک روز، در طول یک ماه به کمک چوپان برود. این رسم نشان می‌دهد که شمار دام‌های یک گله از ۶۰۰ رأس تجاوز نمی‌کند. ولی امروزه با افزایش تعداد گوسفندان گله‌ها دیگر این چنین نیست. کما این که در سال ۱۳۵۸ در یک گله متعلق به زلوقال، هر کدام از مالکان دام‌ها بر اساس رسم «گماری»، برای هر ۱۴ رأس دام یک روز به گماری می‌رفتند. در بین کوچ‌نشینان و نیمه کوچ‌نشینان، عملاً خانواده‌های نسبتاً فقیری وجود دارند که از دام‌های خانواده‌های نسبتاً ثروتمند به‌طور کمکی نگهداری کرده و مزد دریافت می‌کنند که در واقع این اشخاص همان چوپانانی هستند که مدت‌زمان فعالیت آنها کوتاه است.

بالاخره باید متذکر شد که از چند سال پیش به این طرف، به دلیل کمبود چوپان، زنها نیز گاهی کار چوپان کمکی را تقبل می‌کنند و این امر بخصوص در مواقعی اتفاق می‌افتد که چوپان اصلی، یکی از اعضای خانواده خود او می‌باشد. برای مالکان طایفه قاجکانلو و برخی از گروه‌های توپکانلو، این نوع فعالیت به تدریج از حالت استثناء خارج و به قانون گروه‌های تبدیل شده. ولی برای زن‌های سایر طوایف هنوز یک فعالیت و حرکت روزمره و عادی نیست. چند سالی است که در بعضی از روستاها مثل، کاهریزک، که در پساکوه قرار دارد، زنها مستقلاً گله‌های کوچک را که شامل ۳۰۰ تا ۴۰۰ رأس دام هستند، نگهداری و بر آنها نظارت می‌کنند.

د - «پاده چران»، «گاوچران»

کوچ‌نشینان خراسان گاو پرورش نمی‌دهند، ولی در روستاها، هر خانوار متوسط و نسبتاً ثروتمند علاوه بر گاو کار، یک رأس گاو شیرده نیز پرورش می‌دهد. چند سالی است که روستاییان به دلیل وجود تراکتور یا به این دلیل که دیگر مبادرت به کشت غلات نمی‌کنند، از تعداد گاوهای نر خود کاسته‌اند، ولی گاوهای شیرده خود را، که بخشی از

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پاپلی یزدی | ۲۱

غذای آنها را تأمین می‌کند، نگهداری می‌کنند. لذا در هر روستا به یک یا چند گله که فقط از ماده گاو تشکیل شده‌اند.

هرکدام از گله‌ها، هر روز صبح، توسط فردی که پاده چران نامیده می‌شود، به چراگاه‌های حوالی روستا برده شده و شب برگردانده می‌شود. هر خانوار شیر خود را در اسطبل خود می‌دوشد.

قبلاً که تعداد گاوهای کار در بیشتر روستاها زیاد بود، گله‌هایی نیز منحصرأ از گاو کار تشکیل می‌شد که این گله‌ها در فصول خوب سال در چراگاه‌هایی تعلیف می‌شدند که چندین ساعت راه از روستا فاصله داشتند و ماه‌های متوالی در آنجا می‌ماندند (نمونه آن روستاهای بق مچ و بلغور هستند) در سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ در هیچ‌یک از روستاهایی که در جدول شماره (۱) آمده، تعداد گاوهای کار به حد یک گله نمی‌رسید و چون مزد پاده چران تأمین نمی‌شد، لذا گاوهای نر را که هنوز در روستاها نگهداری می‌شدند، وارد گله گاوهای ماده می‌کردند. هر گله معمولاً دارای حدود ۱۰۰ رأس گاو است.

- دستمزد سنتی پاده چران: با پاده چران معمولاً از اول مهر، میزان، به مدت یک سال قرارداد کار بسته می‌شود و او غالباً شیر روز جمعه تمام گاوها را به‌عنوان دستمزد برمی‌دارد. در بعضی از روستاها مثل بزنگان، شیر پنجشنبه‌شب و صبح جمعه را می‌گیرد و در مورد دام‌هایی که شیر ندارند برای هرماه ۴ کیلوگرم گندم دریافت می‌کند. برای خوراک و پوشاک خود چیزی دریافت نمی‌کند. امروزه در بیشتر روستاها دستمزد گاوچران به‌صورت پول نقد پرداخت می‌شود.

آن‌طور که در گله‌های گوسفند دیده شد، گله‌های گاو را سگ همراهی نمی‌کند.

در حدود چند سالی است که تعداد گاوچرانان نیز بسیار کم شده است و روستاییان برای پیدا کردن گاوچران، که برایشان از ضروریات است، با مشکلات زیادی روبرو هستند. لذا خود آنها مجبورند که با گذاشتن گماری نگهداری از گله‌های گاو را حل کنند، یعنی هرکدام از مالکان از بابت هر رأس گاوی که دارند باید یک روز نگهداری از گله را بر عهده گیرند.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر تحول اساسی و مهمی در روابط دامدار و چوپان به وجود آمده است. درست است که مثال‌ها به شمال خراسان مربوط می‌باشد، ولی مشت نمونه خروار است. نگارنده در مسافرت‌های متعددی که در کل ایران از بختیاری، بلوچستان، آذربایجان و غیره داشته همه‌جا این تحول را با مختصر تغییراتی مشاهده کرده است. این تحول روند زندگی چند صدساله را به هم ریخته است. روابط پولی محض، روابط اجتماعی - اقتصادی و خانوادگی ویژه‌ای به وجود آورده که از همه مهم‌تر عدم امنیت دامدار در امر دامداری است. سیستم سنتی به چوپان اجازه و امکان نمی‌دهد که دام‌ها را قبل از موعد مقرر رها کند. در صورتی که در حال حاضر و در سیستم پولی با کوچک‌ترین اختلافی چوپان حقوق آخر ماهش را که گرفت، گله را وسط بیابان رها می‌کند و راهی شهر می‌شود و هیچ‌کس و هیچ قانونی هم جلودارش نیست. یافتن چوپان هم کار ساده‌ای نیست. البته هنوز عملاً عوامل و روابطی وجود دارد که اکثریت چوپان‌ها را به عهد خود وفادار کند ولی امکان رها کردن کار و گله افزایش یافته است، در صورتی که در گذشته که دریافت مزد به صورت جنسی (شیر، گندم، جو و بره یا شیر و پول - بره) بود چوپان کارش را رها نمی‌کرد. در بین برخی کوچ‌نشینان که به‌طور سنتی چوپان مزد خود را به صورت نقدی دریافت می‌کرد عواملی مانند ساختار قدرت در جامعه ایلی و قوانین عرفی حاکم بر ایلات و طوایف این اجازه را به چوپان نمی‌داد که کار خود را نایم‌ام رها کند و برود. در صورتی که امروزه ساختار سنتی ایلات و قوانین عرفی ایلی کارآیی ندارند و بخصوص در مقابل قوانین مدنی و دادگستری یا ارزش ندارند یا بسیار رنگ هستند.

سیستم ده یک (از هر ده بره یکی مال چوپان) باعث می‌شد که چوپان خود نیز مالک تعدادی دام باشد و به همین جهت اولاً نمی‌توانست گله را رها کند و ثانیاً در تعلیف و چرای کامل دام‌ها دقت می‌کرد.

- نقدی شدن مزد چوپان در تخریب مراتع اثراتی مستقیم داشته است:

دیدیم که به طور سنتی و در شرایط طبیعی ایران، تعداد دام هر گله حدود ۶۰۰ رأس بوده است. وجود عوامل سنتی مانند سهم غذای چوپان (هر ۱۰ رأس دام یک شب غذا برای یک چوپان) سهم نواله سگ و تعداد روزهای گماری (هر ده رأس دام یک روز گماری) بیانگر این مدعا است.

با نقدی شدن مزد چوپان و افزایش دائمی مزد او، دامداران برای اقتصادی شدن کارشان مرتباً به تعداد دام‌های گله می‌افزایند. به عنوان مثال اگر هر گله شامل ۶۰۰ رأس دام باشد و مزد هر چوپان ماهیانه ۳۰۰۰ تومان، جمع مزد دو چوپان ۶۰۰۰ تومان و هزینه ماهانه هر رأس دام، بابت مزد چوپان ۱۰ تومان خواهد شد. دامدار برای پایین آوردن مخارج سرانه، تعداد دام گله را افزایش می‌دهد و به اصطلاح گله را سنگین می‌کند. گاه تعداد دام در گله به ۸۰۰ یا ۹۰۰ رأس و در مواردی استثنایی به ۱۲۰۰ رأس می‌رسد. اگر مزد دو چوپان جمعاً ۱۲۰۰۰ تومان باشد مخارج ماهیانه چوپان به طور سرانه برای گله ۶۰۰ رأسی ۲۰ تومان و برای گله ۸۰۰ رأسی ۱۵ تومان و برای گله ۱۲۰۰ رأسی ۱۰ تومان خواهد شد. ولی با سنگین شدن گله مسائل خاصی پیش می‌آید.

معمولاً هر رأس دام برای چرا به فضای مناسبی نیاز دارد که این فضا خود به نوع دام و نوع مرتع، از نظر کمی و کیفی و نوع زمین، از نظر توپوگرافی و پستی و بلندی و سنگلاخی و غیر سنگلاخی بودن، بستگی دارد در طول قرن‌ها به تجربه ثابت شده بود که تعداد گوسفندان یک گله مناسب ۶۰۰ رأس است. حال با افزایش دام هر گله، اگر چوپان اجازه دهد که دام‌ها پراکنده شوند تا بتوانند به خوبی چرا کنند و هر کدامشان فضای لازم را برای چرا داشته باشند، با شرایط طبیعی ایران، بخصوص در مناطق کوهستانی، امکان گم شدن، دزد زدگی و گرگ زدگی دام افزایش یافته و بدین طریق به طور مستقیم به دامدار خسارت و به اعتبار چوپان لطمه وارد می‌شود. پس چوپان گله را جمع می‌کند تا بتواند آنها را کنترل کند با فشرده شدن دام‌ها، اولاً چرا بی‌رویه انجام می‌شود، چون دام از فضای کمتری استفاده می‌کند، ثانیاً امکان کوبیده شدن زمین توسط سم حیوانات افزایش می‌یابد و ثالثاً

دام‌ها غذای کمتری در دسترس خواهند داشت و در نتیجه لاغرتر از دام‌های مجتمع در گله‌های ۶۰۰ رأسی خواهند شد.

- افزایش مزد چوپان اثر مستقیم در چرای بی‌رویه، کاهش کمی و کیفی گوشت و

شیر دارد:

همچنان که می‌بینیم در این سیر می‌بینیم در این سیستم، یک مسئله اقتصادی، یک مسئله مدیریتی را پیش می‌آورد و این مسئله مدیریتی یک مسئله اکولوژیکی و مسئله اکولوژیکی باز یک مسئله اقتصادی و بالطبع یک مسئله اجتماعی. بعلاوه افزایش مزد چوپان اثرات و نتایج جنبی دیگری هم به همراه دارد.

- پولی شدن مزد چوپان در اکثر مناطق شروع پولی شدن اقتصاد دامداری در تمام زمینه‌ها بوده است. عمده‌ترین نیاز دامدار سنتی به پول در آخر هرماه، پرداخت مزد چوپانش می‌باشد. این امر گاه او را به فروش پیش از موعد بره‌ها و یا فروش بخشی از آذوقه دامی و یا دریافت وام از بانک و شرکت‌های تعاونی وادار می‌کند.

- پولی شدن مزد چوپان باعث شده است تا در اکثر نواحی چوپان دوم گرفته نشود و به جای او سیستم «گماری» رونق بیشتری داشته باشد. این امر به دامداری لطمه می‌زند چرا که بیشتر کسانی که به «گماری» می‌روند از چوپانی اطلاعی ندارند و در اکثر موارد چون صاحب گوسفندها هستند نمی‌خواهند حرف چوپان اصلی را گوش کنند. در نتیجه اکثر چوپان‌ها حضور آنها را منفی می‌دانند تا مثبت.

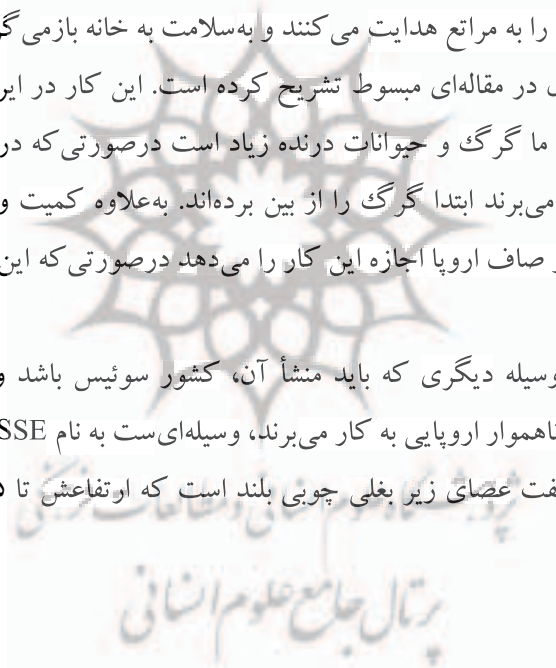
- در بسیاری از روستاها برای «گماری» و یا برای خلمه‌چرانی (چراندن بره‌های تازه به دنیا آمده) از بچه‌ها کمک گرفته می‌شود که هم به دام لطمه وارد می‌شود و هم بخصوص به آموزش بچه‌ها. گویا این مطلب جنبه جهانی دارد به طوری که وقتی مقاله‌ای را درباره به کارگیری بچه‌ها در دامداری کشور مراکش، مطالعه می‌کردم، تصور کردم نویسنده از آنچه در شمال خراسان می‌گذرد کپی برداشته است.^۱

1. BENCHERIFA, Abdellatif: Gardiennage du troupeau et sociatisation de lenfantau maloc, production pastorale et societe Ne 10, pp 85. 89.

- گرانی مزد چوپان باعث شده تا در مواردی از زنها، در امر چوپانی، استفاده شود. این امر روز بروز در حال گسترش است. می‌بینیم که یک مسئله اقتصادی چگونه باعث شده تا سنت چند هزارساله تقسیم کار بین زن و مرد بشکند. در اکثر نقاط جهان چوپانی کاریست اختصاصاً مردانه ولی این سنت در حال فروپاشی است.

البته زنها به‌عنوان چوپان دوم و یا گماری مشارکت دارند نه به‌عنوان چوپان اصلی. در اروپا وقتی با مشکل کمبود چوپان و گرانی مزد او روبرو شدند علاوه بر تغییرات اساسی در دامداری دست به ابتکاراتی زدند. مهم‌ترین این ابتکارات تربیت سگ‌های کوچک اندام و پاکوتاه مخصوصی است که وظیفه هدایت گله را بر عهده‌دارند. این سگ‌ها گوسفندان را به مراتع هدایت می‌کنند و به‌سلامت به خانه بازمی‌گردانند. این مسئله را گزایه دوپلانول در مقاله‌ای مبسوط تشریح کرده است. این کار در ایران شدنی نیست، چون در بیابان‌های ما گرگ و حیوانات درنده زیاد است در صورتی که در ممالکی که این تکنیک را به کار می‌برند ابتدا گرگ را از بین برده‌اند. به‌علاوه کمیت و کیفیت مراتع و دشت‌های هموار و صاف اروپا اجازه این کار را می‌دهد در صورتی که این شرایط در ایران وجود ندارد.

اما ابتکار و وسیله دیگری که باید منشأ آن، کشور سوئیس باشد و امروز هم اکثر چوپان‌های مناطق ناهموار اروپایی به کار می‌برند، وسیله‌ای است به نام ECHASSE یا «چوپا» که یک جفت عصای زیر بغلی چوبی بلند است که ارتفاعش تا ۵ متر نیز می‌رسد (عکس شماره ۱).





عکس شماره ۱ - چوپا

چوپان با استفاده از این وسیله در ارتفاع ۳ یا ۵ متری قرار می‌گیرد و می‌تواند فضای بیشتری را تحت کنترل داشته باشد و سریع‌تر نیز راه برود. با به کارگیری این وسیله ساده دو چوپان که در شرایط معمول قادر به کنترل بیش از ۶۰۰ رأس دام نیستند توانایی کنترل ۲ برابر این تعداد دام را خواهند داشت بدون آن‌که آن‌ها را جمع کنند و یا طوری رها کنند که از کنترل خارج شوند. در حال حاضر هر ساله در سویس مسابقاتی با شرکت مردان و

چوپانانی که از اِشَس (ECHASSE) استفاده می‌کنند برگزار می‌شود. باز هم می‌بینیم که یک وسیله ساده تکنیکی چگونه موجب تغییرات اجتماعی - اقتصادی اکولوژیکی می‌شود. ارائه نمونه اِشَس به‌عنوان مثال است. منظور این نیست که حتماً از این وسیله در ایران استفاده شود و یا قابل استفاده در همه مناطق ایران است. منظور آن است که جوامع دیگر بر اثر فشار، ابزارهای ساده‌ای را جستجو کرده و یافته‌اند. جامعه ایلی و دامداران سنتی نیز باید دنبال تغییرات و تحولات و پیدایش ابزارهای تکنیکی ساده و کم‌خرج باشند. به‌ویژه این ابتکارات می‌بایست درون‌زا باشد چه در سنوات اخیر اکثر تحولات ایجاد شده و ابزارهای بکار گرفته شده توسط جامعه ایلی از سوی جامعه شهری به آن تحمیل شده است.

خلاصه آن که افزایش مزد چوپان یکی از عللی است که دامداری سنتی را متزلزل کرده است. زمان آن است که ابتکاراتی در این زمینه به عمل آید و یک سری ابزار ساده به‌کاربرده شده و رایج شود و یک سری قوانین عرفی رایج بین ایلات و عشایر نیز از سوی دادگستری موردقبول واقع شود تا دامدار احساس امنیت کرده و کارش اقتصادی باشد. چوپان احساس راحتی و کیفیت و کمیت گوشت و شیر و روغن، پشم و پوست در حدی که مربوط به کار چوپان است بهبود یابد و تا حدی نیز جلوی چرای بی‌رویه گرفته شده و مراتع بیش از این به وسیله سم دام‌ها کوبیده نشود.

جدول ۱- ریزحقوق چوپانی که در نیمه کوچ‌نشینان کار می‌کنند (۱۳۵۸)

شماره	اسم روستا	ارتفاع	تاریخ‌گرفتن چوپان	دوره شیردهی آر فصل بهار تا نیمه تابستان	از نیمه تابستان تا نیمه پاییز	دوره زایش از نیمه پاییزی تا نوروز
۱	برده	۱۶۰۰	اول مرداد	جمعه‌ها شهر تمام دام‌ها	۲ کیلو گندم به ازای هر رأس گوسفند	۲ ریال برای هر رأس در سال ۱۳۵۷ ۵۰۰۰ ریال ۱۳۵۸ ۱۰۰۰۰ ریال
۲	سیرزار	۱۳۵۰	نوروز	جمعه‌ها شیر	۱ کیلو گندم به ازای هر رأس	ده یک بر مبنای ماده‌ها برای دو چوپان
۳	خشنت	۱۳۵۰	۱۵ مرداد	جمعه‌ها شهری از ۱۳۵ پولی ۱۳۵۷	۲ کیلو گندم به از به هر رأس	ده یک بر مبنای ماده‌ها برای دو چوپان
۴	یگه قلعه	۱۷۰۰	۱۳ فروردین	ماهیانته ۱۸۰۰۰ ریال چوپان و ۲ کیلو گندم به از به هر رأس ۱۵۰۰۰ ریال بهداک	۱/۵ کیلو گندم به از به هر رأس	۲۵ بره و بزغاله برای هر چوپان
۵	قلعه شاهوردی	۱۵۵۰	۱۳ فروردین	جمعه‌ها شیر	۴ کیلو گندم ۱۹ ریال برای هر رأس از سال ۱۳۱۸ ۵/۴ کیلو + ۱۵ ریال	ده یک بر مبنای ماده‌ها
۶	سرورود	۱۴۵۰	۱۳ فروردین	جمعه‌ها شیر	تا سال ۱۳۵۵ ۳ کیلو گندم و زایی سال پول سال ۰۵۸، ۱۵۰۰۰ ریال برای هر چوپان در تمام دوره	ده یک بر مبنای ماده‌ها
۷	آل	۱۱۰۰	اول مرداد	جمعه‌ها شیر	۳ کیلو گندم تا سال ۱۳۵۵ پول در سال ۱۳۵۸/۱۵۰۰۰ ریال	۲۵ رأس بره (ثابت)
۸	بقی مج	۱۴۵۰	نوروز	جمعه‌ها شیر فقط شیر ۱۵۰ رأس	۱۵۰ کیلو گندم (ثابت)	۲۵ رأس از سال ۱۳۵۰-۳۰ رأس
۹	گرو	۱۲۰۰	اول مرداد	جمعه‌ها شیر	۲ کیلو گندم	ده یک بر مبنای ماده‌ها
۱۰	بتور	۱۹۰۰	۱۵ مرداد	جمعه‌ها شیر	۴ کیلو گندم + ۴ کیلو جو + یک ریال برای هر سه رأس در سال ۱۳۵۷ ۵۰ ریال به جای یک ریال	ده یک بر مبنای ماده‌ها
۱۱	سیج	۱۲۰۰	۱۵ مرداد	جمعه‌ها شیر	۱/۵ کیلو گندم ۵/۱ کیلو جو	ده یک از بره‌ها
۱۲	نیشابورک	۸۰۰	نوروز	جمعه‌ها شیر	پول سال ۱۳۵۸، ۳۰/۰۰۰ ریال	ده یک بر مبنای ماده‌ها در سال ۱۳۵۸، ۱۵۰۰۰ ریال
۱۳	مارشک	۱۳۰۰	اول مرداد	جمعه‌ها شهر	۲ کیلو گندم، یک کیلو جو از سال ۲۵۰ کیلو گندم	ده یک بر مبنای ماده‌ها
۱۴	زراف	۱۸۰۰	اول شهریور	جمعه‌ها شهر	پول نقد در سال ۱۳۵۸ - ۳۵ ریال برای هر رأس	ده یک بر مبنای ماده‌ها در سال ۱۳۵۸، ۳۰۰۰۰ ریال

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پاپلی یزدی | ۲۹

شماره	اسم روستا	ارتفاع	تاریخ گرفتن چوپان	دوره شیردهی آر فصل بهار تا نیمه تابستان	از نیمه تابستان تا نیمه پائیز	دوره زایش از نیمه پاییزی تا نوروز
۱۵	کوشک آباد	۱۳۰۰	اول شهریور	جمعه‌ها شیر		ده به یک از بره‌ها
۱۶	قره سو	۱۳۵۰	اول مرداد	جمعه‌ها شیر		ده یک بر مبنای ماده‌ها
۱۷	گرچکی	۱۳۵۰	اول مرداد	جمعه‌ها شیر		ده به یک از بره‌ها در سال ۱۳۵۸، ۸۰۰۰۰ ریال
۱۸	عمارت	۱۵۰۰	۱۵ مرداد	جمعه‌ها شیر از ۵۹ پول		ده به یک از بره‌ها
۱۹	جنگ	۱۲۰۰	اول مرداد	جمعه‌ها شیر		ده به یک از بره‌ها
۲۰	لاین نو	۸۵۰	۱۳ فروردین	جمعه‌ها شیر		حقوق پول نقد
۲۱	زارین	۱۳۵۰	نوروز	جمعه‌ها شیر		
۲۲	پیرک سفلی	۱۷۴۰	۱۳ فروردین	جمعه‌ها شیر		
۲۳	کوشک خانه	۱۷۰۰	۱۳ فروردین	جمعه‌ها شیر		در سال ۱۳۵۸ بین ۱۲۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ در ماه
۲۴	قله نماد	۱۵۵۰	اول مرداد	جمعه‌ها شیر		در سال ۱۳۵۸، ۸۰۰۰ ریال در ماه
۲۵	نیازی	۸۵۰	نوروز	شیر فقط دو روز جمعه در تمام طول دوره شیردوشی		ده به یک از هفتصد رأس در سال ۱۳۵۹، ۱۵۰۰۰ ریال چوپان و ۱۰۰۰۰ ریال میلاک
۲۶	بزنگان	۱۱۰۰	۱۳ فروردین	پول نقد		ده به یک از ۴۰۰ رأس
۲۷	گاهریزگ	۷۵۰	۱۳ فروردین	پول نقد		۴۰ بره و بزغاله برای چوپان و ۳۰ رأس برای میلاک
۲۸	زاوقال	۶۰۰	نوروز	پول نقد		در سال ۴۰، ۵۱ بره و بزغاله چوپان و ۳۰ رأس میلاک از سال ۴۰، ۵۸ رأس
۲۹	چهچه	۵۰۰	۱۳ فروردین	پول نقد		۳۵ بره و بزغاله برای هر نفر
۳۰	اوننگ ماری	۷۰۰	اول اردیبهشت	پول نقد		ده به یک از بره‌ها و بزغاله‌ها
۳۱	جامک	۷۰۰	۱۳ فروردین	پول نقد		ده به یک بر مبنای حیوانات ماده
۳۲	اخلند	۱۶۰۰		پول نقد سال ۵۸ / ۵۰۰۰۰۰ ریال		ده به یک بر مبنای حیوانات ماده
۳۳	چندر	۱۳۸۰	۲۰ فروردین	پول نقد + یک روز جمعه شیر		بپول برای هر ماه برای هر چوپان
۳۴	گنبد جق	۱۷۵۰	۱۳ فروردین	پول نقد در سال ۱۳۵۸		
۳۵	قلعه‌نو	۱۳۵۰	نوروز	پول نقد در سال ۱۳۵۸		

ادامه جدول ۱

مزد جلو	ته قوی (اعتبار)	غذا	کفش و نمد	چراغ قوه	سگ	الاغ و وسایل مربوطه	حیوان شخصی بدون پرداخت مزد چوپانی
	بین ۲۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰			به عهده ارباب	به عهده ارباب	ارباب	تا ۴۰ رأس
			کفش و نمد به عهده ارباب	"	"	چوپان	
	۱۵۰۰۰ ریال		"	"	"	"	تا ۳۰ رأس
			"	"	"	"	تا ۲۵ رأس
			"	"	"	"	تا ۲۰ رأس
	در سال ۱۳۵۸ بین ۵۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ ریال		"	"	"	"	تا ۲۵ رأس
	در سال ۱۳۵۸ بین ۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ ریال		"	"	"	"	تا ۴۰ رأس
			به عهده ارباب	"	"	"	تا ۳۰ رأس
			"	"	"	"	تا ۱۵ رأس
			"	"	"	"	تا ۵۰ رأس
			"	"	"	به عهده چوپان ولی ارباب متخارج را می‌دهد	تا ۲۵ رأس
	در سال ۱۳۵۸ ۲۰۰/۰۰۰ ریال	به عهده ارباب		"	"	به عهده ارباب	تا ۲۰ رأس
				"	"	به عهده چوپان	تا ۵۰ رأس
	در سال ۱۳۵۸ ۶۰۰۰۰ ریال			"	"	به عهده ارباب	تا ۲۵ رأس

چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، پاپلی یزدی | ۳۱

مزد جلو	ته قوی (اعتبار)	غذا	کفش و نمد	چراغ قوه	سگ	الاغ و وسایل مربوطه	حیوان شخصی بدون پرداخت مزد چوپانی
	در سال ۱۳۵۸ بین ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال		قیمت به عهده ارباب	"	"	به عهده چوپان	تا ۳۰ رأس
		به عهده ارباب	کفش و نمد به عهده ارباب	"	"	"	تا ۳۰ رأس
تا نصف جلو		به عهده ارباب	"	"	"	"	تا ۵۰ رأس تا ۱۳۵۰ از این تاریخ ۳۰ رأس
در سال ۱۳۵۸ حقوق یک ماه جلو		به عهده ارباب	"	"	"	"	تا ۴۰ رأس از ۵۸ هیچ
			"	"	"	"	تا ۵۰ رأس
		به عهده ارباب	به عهده ارباب	"	"	"	هیچ
		به عهده ارباب	"	"	"	"	هیچ
			"	"	"	"	هیچ
			"	"	"	"	هیچ
یک ماه حقوق در جلو			"	"	"	"	هیچ
		به عهده ارباب	"	"	"	به عهده چوپان	هیچ
نصف پول نقد جلو	بین ۲۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ ریال	-	"	"	"	"	تا ۲۰ رأس
نصف پول نقد	تا ۵۰۰۰۰ ریال	-	"	"	"	"	تا ۱۰ رأس
نصف پول نقد	تا ۵۰۰۰۰ ریال	به عهده ارباب	"	"	"	"	تا ۵۰ رأس
		-	"	"	"	"	تا ۳۰ رأس
		-	"	"	"	به عهده ارباب	تا ۱۵ رأس
۲۰۰۰۰ ریال	تا ۳۰۰۰۰ ریال	-	"	"	"	"	تا ۱۵ رأس
۲۰۰۰۰ ریال	تا ۵۰۰۰۰ ریال	-	کفش + ۸ کیلو پشم	"	"	به عهده ارباب	تا ۲۰ رأس
	تا ۵۰۰۰۰ ریال		کفش و نمد به عهده ارباب	"	"	"	هیچ
تا ۲۰۰۰۰ ریال	تا ۵۰۰۰۰ ریال		"	"	"	به عهده چوپان	هیچ
	تا ۵۰۰۰۰ ریال	هر چوپان ۸۰ کیلو گندم در ماه	"	"	"	به عهده ارباب	هیچ

جدول ۲-

ناحیه	ردیف	اسم روستا	ارتفاع از سطح دریا	تاریخ گرفتن چوپان	مزد به روش سنتی				چیزهایی که از چند سال قبل اضافه شده است		غذا	کنش و نمذ	جراغ قوه	سگ	الاغ	حیوان شخصی بدون مزد چوپانی
					شیر	گندم و جو	بره	رشوت	مزد جلو	ته قوی						
مزار مسجید	۱	برده	۱۶۰۰	اول مرداد	A	B	L	R		H				T	۴۰	
	۲	سررود	۱۴۵۰	۱۲ مرداد	A	B	L			H					۲۵	
	۳	آل	۱۱۰۰	اول مرداد	A	B	L			H					۲۰	
	۴	بق مج	۱۴۵۰	نوروز	A	B	L					V			۲۰	
	۵	باقور	۱۹۰۰	۱۵ مرداد	A	B	L					V			۵۰	
	۶	سیج	۱۳۰۰	۱۵ مرداد	A	B	L					V			۲۵	
	۷	مارینک	۱۳۵۰	اول مرداد	A	M	L								۵۰	
	۸	ژرف	۱۸۰۰	اول شهریور	A	M	L	R						T	۲۵	
	۹	کوشک آباد	۱۳۰۰	اول شهریور	A	M	L	R		H					۳۰	
	۱۰	گوچگی	۱۳۵۰	اول مرداد	A	M	L			E		N			۵۰	
	۱۱	زاوین	۱۳۵۰	اول نوروز	M	M	L				N					
	۱۲	عمارت	۱۵۰۰	۱۵ مرداد	A	M	L				N				۵۰	
	۱۳	جنگ	۱۲۰۰	اول مرداد	A	M	M								۲۵	
	۱۴	قلعه نو	۱۳۵۰	نوروز	M	M	M			H		N		T		
	۱۵	چنار	۱۳۸۰	۵ اردیبهشت	M	M	L			H		N		T		
	۱۶	سبزوار	۱۳۵۰	نوروز	A	B	L	R				V				
کلات نادری	۱۷	خشت	۱۳۵۰	۱۵ مرداد	A	B	L	R		H					۳۰	
	۱۸	گرو	۱۲۰۰	اول مرداد	A	B	L								۱۵	
	۱۹	قره سو	۱۳۵۰	اول مرداد	A	M	L					N			۲۰	
	۲۰	قله زو	۱۵۵۰	اول مرداد	M	M	L			E						
	۲۱	لاین تو	۸۵۰	۱۳ فروردین	M	M	L					N				
	۲۲	پنگه قلعه	۱۷۰۰	۱۳ فروردین	A	B	L								۲۵	
شاه جهان	۲۳	قلعه شاهوردی	۱۴۵۰	۱۳ فروردین	A	B	L								۲۰	
	۲۴	بیرک سفلی	۱۷۴۰	۱۳ فروردین	M	M	L				N					
	۲۵	قوشخانه	۱۷۰۰	۱۳ فروردین	M	M	L									
	۲۶	اخلمد	۱۶۰۰	۱۰ تیر	A	M	M			E		N		T	۲۰	
	۲۷	گنبد جق	۱۳۰۰	۱۳ فروردین	M	M	M			E		N				
	۲۸	نیشابورک	۸۰۰	نوروز	A	M	L	R			H			T	۲۰	
ساکوه	۲۹	نیازی	۸۵۰	نوروز	A	M	M				N					
	۳۰	بزرگان	۱۱۰۰	۱۳ فروردین	A	M	M			E		N			۲۰	
	۳۱	کاهریزک	۷۵۰	۱۳ فروردین	A	M	M			E		N			۲۰	
	۳۲	زاوقال	۶۰۰	نوروز	A	M	M			E		N			۵۰	
	۳۳	چهچه	۵۰۰	۱۳ فروردین	A	M	M					N			۳۰	
	۳۴	اولنگ ساری خان	۷۰۰	اول اردیبهشت	A	M	M					N		T	۱۵	
	۳۵	چاهک	۷۰۰	۱۳ فروردین	A	M	M			E		N		T	۱۵	

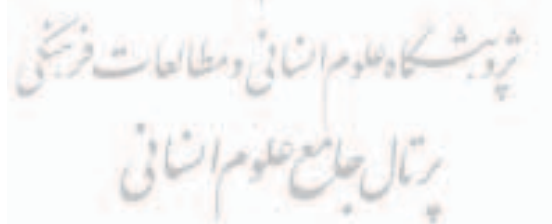
ریز حقوق چوپانانی که برای نیمه کوچ‌نشینان کار می‌کند (۱۳۵۸)

- A - ده یک از بره‌ها و یا ده یک از میش‌هایی که پیش‌بینی می‌شود که می‌زایند
- B - گندم و جو
- C - سنگ
- E - حقوق جلو
- G - تعداد حیوانی که چوپان می‌تواند برای خود نگهدارد بدون آن که مزد چوپانی بپردازد
- H - ته قوی یا اعتبار (پول قرضی که حتماً می‌گیرد).
- L - شیر تمام جمعه‌ها
- M - پول نقد
- N - غذا داده می‌شود
- D - چراغ‌قوه داده می‌شود
- R - رشوت یعنی رشوه
- P - الاغ به عهده ارباب است
- V - کفش و نمد به عهده ارباب است.

منابع

این مقاله کاملاً میدانی است و بر اساس مصاحبه با چوپان‌ها و مردم محلی شمال خراسان نگاشته شده است.

1. BENCHERIFA, Abdellatif: Gardiennage du troupeau et sociatisation de lenfantau maloc, production pastorale et societe Ne 10.



استناد به این مقاله: پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۴۰۱). چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۹ (۱۸)، ۳۴-۱.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

جدول ۳-

نام طوایف	تاریخ استخدام چوپان	دستمزد		خوراک	پوشاک	چراغ قوه	سگ	الاغ
		به طور سنتی: پول نقد	شیر کلیه دام‌ها در روزهای جمعه					
توپکاتلو	۱۰ اردیبهشت یا اول خرداد	به طور سنتی: پول نقد در سال ۱۳۵۴ بین ۱۵۰۰۰ ریال تا ۱۷۰۰۰ ریال در هر ماه	شیر کلیه دام‌ها در روزهای جمعه	مالک گله	کفش و بالا پوش نم‌دین	مالک گله	مالک گله	به عهده مالک گله
ملوانلو	۱۰ اردیبهشت و اول مهر	به طور سنتی: پول نقد ۱/۲۰ بره‌ها و ۱/۱۰ بزرگاله‌ها	شیر کلیه دام‌ها در روزهای جمعه					
بروانلو	اول فروردین و ۱۵ مرداد	در به طور سنتی پول نقد. در سال ۱۳۴۹: ۲۰۰۰ ریال در هر ماه برای چوپان ۱۷۰۰ ریال در هر ماه برای «میلاک» در سال ۱۳۵۸: ۱۵۰۰۰ ریال برای هر کدام در ماه	شیر کلیه دام‌ها در روزهای جمعه. به اضافه مصرف شیر: رأس بز برای هر نفر چوپان به طور روزانه	۳۲ کیلو و ۷۵۰ گرم آرد برای یک ماه به اضافه ۷۵ گرم چای به اضافه ۳ کیلو قند برای هر چوپان				
قاجکاتلو	۱۰ اردیبهشت	به طور سنتی پول نقد. در سال ۱۳۵۸: بین ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ریال در ماه		به عهده مالک گله				
بادلانلو	۱۰ اردیبهشت و اول مهر	به طور سنتی: پول نقد در سال ۱۳۵۸ بین ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ریال در ماه						
کرد هشت مرخی	اول خرداد	به طور سنتی پول نقد در سال ۱۳۵۸: ۲۰، ۲۰۰ ریال در هر ماه برای چوپان ۱۷، ۱۷۰ ریال در هر ماه برای میلاک						
قلی یانلو	۱۰ اردیبهشت	به طور سنتی: پول نقد در سال ۱۳۵۸: ۲۰۰۰۰ ریال در هر ماه برای چوپان ۱۷۰۰۰ ریال در هر ماه برای میلاک						
باجکاتلو	۱۰ اردیبهشت که از سال ۱۳۵۰ اول خرداد	به طور سنتی: پول نقد در سال ۱۳۵۸: ۲۲۰۰۰ ریال در هر ماه برای چوپان ۲۰۰۰۰ ریال در هر ماه برای میلاک						
بریمانلو	۱۰ اردیبهشت و از سال ۱۳۵۰ اول خرداد	به طور سنتی: پول نقد در سال ۱۳۵۸: ۲۵۰۰۰ ریال در هر ماه برای چوپان ۲۱۰۰۰ ریال در هر ماه برای میلاک						
قهرمانلو	۱۰ اردیبهشت و از سال ۱۳۵۰ اول خرداد	به طور سنتی پول نقد. در سال ۱۳۳۰، مبلغ ۹۰۰ ریال در ماه ۱۳۵۰، مبلغ ۳۰۰۰ ریال در ماه ۱۳۵۸، مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال در ماه برای چوپان مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال در ماه برای میلاک						